

مسئولیت کیفری کارکنان دولت

نویسنده:

دکتر جلال الدین حسانی

درآمد

دولت به زبان ساده ساز و کاری در یک سرزمین است که با بهره‌گیری از قدرت سیاسی و اجرایی به تمشیت امور و فراهم آوردن بسترهای گذران زندگی شهروندان می‌پردازد. دولت دارای دو مفهوم مضیق (قوه مجریه) و گسترده (سرتاسر حاکمیت) است. از همین رو پاکسازی دولت از چشم اندازهای گوناگون کیفری جرم شناختی فرهنگی و اجتماعی بسیار اهمیت دارد. مسئولیت کیفری کارکنان سازمان‌های دولتی که از چشم انداز رویکرد توانمندسازی سازمانی آنها نگریسته می‌شود همواره اهمیت بسیاری دارد.

مفهوم مسئولیت کیفری کارکنان سازمان‌های دولتی در گستره شناسایی جرایم احتمالی این شهروندان انجام می‌شود تردیدی نیست که فهرست جرایم پیش گفته بر پایه رسالت‌های دولت در قبال افراد جامعه قابل شمارش است. چرا که کارکنان دولت در راستای انجام این وظایف اموال و نیز اختیاراتی را دارند که کژ کارکردهای احتمالی پیرامون آنها به رخداد هر یک از چهره‌های گوناگون جرم در این گستره می‌انجامد. بدین ترتیب دو سنجه اختیار و اموال را می‌توان به عنوان مهم‌ترین بسترهای انجام رفتارهای قانونی و یا در مقابل مجرمانه دانست که به روشنی اید همواره آماج آمایش‌های روز آمد قرار گیرد. برپایی این مراتب می‌توان جرایمی را همانند اختلاس ارتشا کلاهبرداری سو استفاده از اختیارات و غیره در شمار مهم‌ترین جرایم ارتكابی از سوی کارکنان دولت دانست.

البته در دانش جرم‌شناسی در جایگاه شاخه‌ای از علوم جنایی که به واکاوی علل ارتكاب جرم و مناسب‌ترین سازوکارهای پیشگیری از آن می‌پردازد از دهه‌ها پیش مفهومی به نام جرم دولتی در جایگاه یکی از مهم‌ترین جرم‌شناسی بریتانیا به میان آمده است این مفهوم با مفهوم سنتی و دیرپای جرم که در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی بیان شده متفاوت است این ماده مقرر می‌دارد جرم عبارت از هر فعل یا ترک فعلی است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است حال آنکه جرم دولتی به مفهوم کژ کارکردهای گوناگون دولت در راستای انجام رسالت‌های خود در قبال شهروندان است.

بر پایه اصل قانونی بودن جرم مجازات و مرجع قانونی، فهرست جرایم از رهگذر واکاوی قوانین به دست می‌آید در این راستا قوانین کیفری به دو دسته قوانین کیفری مادر و قوانین کیفری پراکنده تقسیم می‌شوند قانون کیفری مادر قانونی است که فهرست کلی جرایم را بر پایه ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه تعیین می‌کند. اما قانون کیفری پراکنده قانونی است که در هر کدام از گستره‌های زندگی انسان جرایم احتمالی را از راه ارزش گذاری کیفری بیان می‌کند. هر اندازه که در پرتو پیشرفت‌های فناورانه و تکنولوژیک زندگی انسان یه‌هایی تازه

می‌یابد امکان رخداد جرم نیز در آن‌ها میان می‌آید شناسایی جرم را این گستره‌ها به نام فنی شدن حقوق کیفری نام یافته است.

اختلاس

مفهوم‌شناسی

اختلاس عبارت است از برداشت غیر قانونی و تصاحب همراه با سوء نیت و جوه یا مطالبات یا سایر اموال متعلق به هریک از قوای سه‌گانه یا مأمورین به خدمات عمومی توسط کارمندان آن‌ها که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری.

اختلاس علاوه بر جنبه‌ی خصوصی، دارای جنبه‌ی عمومی نیز می‌باشد، چرا که به نظم اجتماع آسیب وارد می‌سازد، لذا اختلاس یک جرم غیرقابل گذشت می‌باشد و حتی با گذشت شاکی، دادگاه از حیث جنبه‌ی عمومی، مرتکب را به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌نماید.

ارکان جرم اختلاس

الف- عنصر قانونی جرم اختلاس

ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مقرر می‌دارد:

هریک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراهای و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی قوای سه‌گانه و هم‌چنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی، اعم از رسمی یا غیر رسمی، جوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هریک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاصی را که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب خواهد شد.»

ب- عنصر مادی جرم اختلاس

عمل مرتکب: عمل صورت گرفته از سوی مرتکب جرم باید در قالب اعمال برداشت، تصاحب یا اتلاف باشد. تصاحب مرتکب باید با انجام فعل مثبت خود اموال یا اشیاء یا کالای متعلق به دولت یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده است تصاحب کند.

تصاحب یعنی به ملکیت در آوردن و در این معنا اعم از فروش یا مصرف یا از بین بردن اموال و اشیاء مورد نظر است. بنابراین صرف استفاده غیر مجاز از این اموال بدون قصد تملک آنها به نفع خود یا دیگری را نمی توان اختلاس دانست.

سمت مرتکب: مرتکب جرم باید از کارمندان یکی از ارگان های مذکور در ماده قانونی باشد در غیر این صورت جرم محقق نمی گردد. مستخدم رسمی کسی است که به موجب حکم رسمی در یکی از پستهای سازمانی وزارتخانه ها یا مؤسسات دولتی مشمول قانون استخدام کشوری شده باشد.

به هر صورت مرتکب اختلاس باید از کارمندان و کارکنان مذکور در ماده ۵ قانون تشدید باشد. بنابراین کارمندان شرکتهای خصوصی که در اموال شرکت مرتکب خیانت می شوند یا اشخاص عادی که به دلایلی اموال دولتی در اختیارشان قرار می گیرد و آنها را تصاحب می کنند از شمول این ماده خارج می باشند.

موضوع جرم اختلاس: موضوع جرم اموال دولتی است بنابراین برداشت، تصاحب، اتلاف و یا مفقود نمودن اموال غیر دولتی عنوان اختلاس ندارد. فرض کنید کارمند یکی از ارگان های مذکور در ماده، لب تاپ رئیسش را که با هزینه شخصی خریداری نموده تصاحب نماید در این حالت نمی توان او را تحت عنوان مختلس مورد پیگرد قرار داد اگر چه با جمع شرایط ممکن است عنوان سارق به او اطلاق شود.

اموالی که مرتکب جرم برداشت، تصاحب، اتلاف یا مفقود می نماید باید به خاطر وظیفه سازمانی او به وی داده شده باشند. مرتکب جرم اموال دولتی را برای تملک خود یا شخص ثالث برداشت می کند.

پ- عنصر روانی جرم اختلاس

الف: سوء نیت عام یعنی قصد برداشت و تصاحب اموال و عمد مختلس در انجام فعل مجرمانه (برداشت، تصاحب، اتلاف و مفقود نمودن) برای تحقق اختلاس لازم است، قصد مجرمانه وجود داشته باشد. و این قصد در همه حالات، آگاهی مرتکب به وجود ارکان جرم از جمله علم وی به ارتباط وی با شرکت و این که مال ملک دیگری است را طلب می کند.

ب: سوء نیت خاص یعنی قصد تحقق و به دست آوردن نتیجه مجرمانه؛ یعنی عالماً و عامداً خواستار تملک، از بین بردن و یا از دسترس خارج نمودن مال مورد اختلاس دولتی باشد. سوء نیت خاص تحصیل منفعت برای مرتکب و اضرار به دولت می باشد. در واقع باید بین عمل مرتکب و حصول نتیجه که همان تحصیل مال یا نفعی است رابطه علیت موجود باشد.

تفاوت اختلاس با خیانت در امانت

تفاوت اختلاس با خیانت در امانت موضوع ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی این است که مرتکب جرم و موضوع جرم در این دو مورد با هم متفاوتند. به عبارت دیگر در اختلاس فرد مختلس باید از کارکنان و کارمندان قوای سه گانه یا نیروهای مسلح باشد و جرم را بر روی اموال این قوا انجام دهد یعنی اقدام به برداشت و تصاحب اموال دولتی به معنی اعم کلمه نماید حال اینکه در جرم عام خیانت در امانت چنین نیست و اشخاص عادی نسبت به اموال سپرده شده به یکدیگر مرتکب خیانت می شوند.

مجازات جرم اختلاس

مجازات جرم اختلاس عبارت است از حبس، انفصال از خدمات دولتی، رد مال و جزای نقدی. با این توضیح که به موجب ذیل ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مجازات اختلاس بستگی به میزان اختلاس متفاوت است.

مجازات اختلاس با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری

چنانچه اختلاس با تشکیل یا رهبری و به صورت شبکه ای صورت پذیرد مشمول ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری بوده و حداقل میزان حبس و انفصال آن متفاوت خواهد بود. مجازات مرتکب چنین اختلاسی علاوه بر رد مال و جزای نقدی به میزان دو برابر مال تحصیل شده حبس از ۱۵ سال تا ابد و انفصال دائم از خدمات دولتی بوده و البته این در موردی است که طبق ذیل ماده مذکور عنوان مفسد فی الارض بر مرتکب صدق نکند و الا مجازات وی مجازات مفسد فی الارض یعنی اعدام است.

مجازات اختلاس همراه با جعل

مجازات اختلاس همراه با جعل در تبصره ۲ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مقرر گردیده است.

این تبصره مقرر می دارد: «چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد در صورتی که میزان اختلاس تا ۵۰ هزار ریال باشد مرتکب به ۲ تا ۵ سال حبس و یک تا ۵ سال انفصال موقت و هر گاه بیش از این مبلغ باشد به ۷ تا ۱۰ سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دوبرابر آن محکوم می شود.

مرجع صالح برای رسیدگی جرم اختلاس

در تعیین مرجع صالح تشخیص مکان وقوع جرم حائز اهمیت است؛ زیرا مرجعی صالح به رسیدگی است که جرم در حوزه آن اتفاق افتاده است. بنابراین دادسرای محلی که مختلس در آن محل اقدام به برداشت، تصاحب یا اتلاف مال نموده به هر طریق که از وقوع جرم آگاه شود شروع به تحقیقات مقدماتی نموده و پس از تکمیل تحقیقات و تشخیص مجرم بودن متهم، پرونده را به دادگاه کیفری آن حوزه ارسال می‌دارد.

رشا و ارتشا

مفهوم‌شناسی

دومین دسته از جرایم ارتكابی از سوی کارکنان دولت ارتشا است. این جرم به زبان ساده به مفهوم دریافت مال برای انجام رسالتی در گستره وظایف سازمانی آن کارمند است ارتشا همواره در شمار مهم‌ترین چهره‌های فساد اقتصادی جای دارد از همین رو لازم است هر یک از دلایل رخداد این پدیده مجرمانه را در میان کارکنان دولت شناسایی کرد. یکی از دلایل پیش گفته کاستی در نظارت در سازمان‌های دولتی است راستا با یافته‌های مدیریت نوین هر سازمان باید برای انجام سزاوار رسالت‌های خود دارای نهادی ناظر نیز باشد تا در صورت آگاهی از ساده‌ترین رفتارهای کژروانه کارکنان خود بتواند در نزدیک‌ترین زمان بدان پاسخ دهد چرا که امروزه این باور در دانش جرم‌شناسی وجود دارد که رفتارهای غیرقانونی در صورت انفعال سازمان و یا نهادهای ناظر در آن به رفتارهایی زیانبارتر و احتمالاً جرایم گوناگون نجر می‌شوند این همان مفهوم تقویت انحراف است که از سوی لسلی ویلکینز بیان شده است.

شرایط تحقق

۱. مامور دولت بودن: مطابق ماده ۳ قانون مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری در جرم رشوه مرتکب جرم (رشوه گیرنده) باید از مستخدمین و مامورین دولتی باشد و کارمندان شرکت‌های خصوصی از شمول بحث خارج هستند. ولی راشی (رشوه دهنده) عموماً عموم مردم هستند.

عدم لزوم پنهانی بودن عمل: برای تحقق جرم رشوه نیازی نیست که این جرم در خفا و پنهانی صورت گیرد و شخصی در ملاعام به کارمند دولت مالی بابت انجام کاری می‌دهد مرتکب جرم گردیده است.

عدم لزوم مالکیت راشی بر مال موضوع جرم : برای تحقق جرم رشوه نیازی نیست که رشوه دهنده مال خور را به عنوان رشوه به شخصی بدهد حتی اگر مال اشخاص دیگر را به عنوان رشوه به مرتشی بدهد باز هم جرم صورت گرفته است.

غیر قابل توجیح بودن عمل مرتشی : دریافت کننده رشوه با این توجیه که در مقابل دریافت پول کار بیشتری را انجام داده است قابل توجیه نیست.

عدم اهمیت میزان مال در تحقق جرم : برای تحقق جرم رشوه میزان مال دریافتی تاثیری در تحقق جرم ندارد ولی در میزان مجازات مرتشی تاثیر گذار است.

مهم نبودن زمان پرداخت مال : برای تحقق جرم زمان پرداخت مال و دریافت وجه اهمیتی ندارد و می تواند بعد از انجام یا قبل از انجام کار باشد.

قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵/۰۹/۱۳۶۷ مجمع

تشخیص مصلحت نظام

ماده ۱- هر کس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکتهای یا تجارتخانه های یا کارخانه ها یا موسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاسد حساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می شود.

در صورتیکه شخص مرتکب بر خلاف واقع عنوان یا سمت ماموریت از طرف سازمانها و موسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکتهای دولتی یا شوراها یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی و بطور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادها و موسسات مامور بخدمت عمومی اتخاذ کرده یا اینکه جرم با استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسائل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله یا نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد یا مرتکب از کارکنان دولت یا موسسات و سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی بخدمت عمومی باشد علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از ۲ تا ده سال و انفصال ابد از خدمت دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می شود.

تبصره ۱: در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه دادگاه میتواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف، مجازات مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد ولی نمیتواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد. (این تبصره به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹ نسخ شده است)

تبصره ۲: مجازات شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتیکه نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم میشود. مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر یا همپراز آنها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پائین تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می شوند. (این تبصره به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹ نسخ شده است)

ماده ۲- هر کس بنحوی از انحاء امتیازاتی راکه به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض میگردد نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته میشود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوءاستفاده نماید و یا در توزیع کالاهائی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا بطور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال بدست آمده محکوم خواهد شد.

تبصره: در موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات تخفیف و تعلیق دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱ این قانون خواهد بود. (این تبصره به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹ نسخ شده است)

ماده ۳- هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی و بطور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکتهای دولتی یا سازمانهای دولتی وابسته به دولت و یا مامورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیر رسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمانهای مزبور می باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیر مستقیم قبول نماید در حکم مرتشی است اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا نداده و انجام آن برطبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آن که در انجام یا عدم انجام آن موثر بوده یا نبوده باشد به ترتیب زیر مجازات می شود.

در صورتیکه قیمت مال یا وجه ماخوذ بیش از بیست هزار ریال نباشد به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا همپراز مدیر کل یا بالاتر باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد و بیش از این مبلغ تا دویست هزار ریال از یکسال تا سه سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه ماخوذ و انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا همپراز مدیر کل یا بالاتر باشد به جای انفصال موقت به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد.

در صورتی که قیمت مال یا وجه ماخوذ بیش از دویست هزار ریال تا یک میلیون ریال باشد مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه ماخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیر کل یا همپراز آن باشد بجای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد .

در صورتی که قیمت مال یا وجه ماخوذ بیش از یک میلیون ریال باشد مجازات مرتکب پنج تا ده سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه ماخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیر کل یا همپراز آن باشد بجای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد .

تبصره ۱: مبالغ مذکور از حیث تعیین مجازات و یا صلاحیت محاکم اعم از اینست که جرم دفعتاً واحده و یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ ماخوذه بالغ بر نصاب مزبور باشد.

تبصره ۲: در تمامی موارد فوق مال ناشی از ارتشاء بعنوان تعزیر رشوه دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد و چنانچه راشی به وسیله رشوه امتیازی تحصیل کرده باشد این امتیاز لغو خواهد شد .

تبصره ۳: مجازات شروع به ارتشاء حسب مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد خواهد بود (در مواردی که در اصل ارتشاء انفصال دائم پیش بینی شده است در شروع به ارتشاء بجای آن سه سال انفصال تعیین می شود) و در صورتی که نفس عمل انجام شده جرم باشد به مجازات این جرم نیز محکوم خواهد شد . (این تبصره به موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹ نسخ شده است)

تبصره ۴: هر گاه میزان رشوه بیش از مبلغ دویست هزار ریال باشد ، در صورت وجود دلایل کافی ، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یکماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از پایان مدت بازداشت موقت کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از خدمت تعلیق

کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت، هیچگونه حقوق و مزایایی تعلق نخواهد گرفت. (این تبصره به موجب ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری نسخ شده است.)

تبصره ۵: در هر مورد از موارد ارتشاء هر گاه راشی قبل از کشف جرم مامورین را از وقوع بزه آگاه سازد از تعزیر مالی معاف خواهد شد و در مورد امتیاز طبق مقررات عمل میشود و چنانچه راشی در ضمن تعقیب با اقرار خود موجب تسهیل تعقیب مرتشی را فراهم نماید تا نصف مالی که بعنوان رشوه پرداخته است به وی بازگردانده می شود و امتیاز نیز لغو میگردد.

ماده ۴- کسانیکه با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب کرده اند برفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم میشوند و در صورتیکه مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود. (به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ و تبصره الحاقی به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عبارت تا ابد به حبس درجه ۱ تبدیل می شود.)

ماده ۵- هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراهای و شهرداریها و موسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و موسساتی که به کمک مستمر دولت اداره میشوند و یا دارندگان پایه قضائی و بطور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مامورین به خدمات عمومی از رسمی یا غیر رسمی وجوه یا مطالبات یا حواله ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و موسسات فوق الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است برفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و بترتیب زیر مجازات خواهد شد.

تبصره ۱: در صورتیکه میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به ششماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هر گاه بیش از این مبلغ باشد به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می شود.

تبصره ۲: چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد در صورتیکه میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به ۲ تا ۵ سال حبس و یک تا ۵ سال انفصال موقت و هر گاه بیش از این مبلغ باشد به ۷ تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر دو مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می شود.

تبصره ۳: هر گاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می نماید و اجراء مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجراء خواهد شد. (این تبصره به موجب اصلاح ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی بر اساس قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تخصیص خورده است.)

تبصره ۴: حداقل نصاب مبالغ مذکور در جرائم اختلاس از حیث تعیین مجازات یا صلاحیت محاکم اعم از اینست که جرم دفعتا واحده یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ مورد اختلاس بالغ بر نصاب مزبور باشد. تبصره ۵: هر گاه میزان اختلاس زائد بر صد هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یکماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت، کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهائی وی از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت هیچگونه حقوق و مزایائی تعلق نخواهد گرفت. (این تبصره به موجب ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری نسخ شده است.)

تبصره ۶: در کلیه موارد مذکور در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره یک ماده یک از لحاظ حداقل حبس و نیز بنا به مورد حداقل انفصال موقت و یا انفصال دائم خواهد بود. (این تبصره به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹ نسخ شده است.)

ماده ۶- مجازات شروع به اختلاس حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم میشود. (این ماده به موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹ نسخ شده است.)

مستخدامان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر و یا همطراز آنها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پائین تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می شوند.

ماده ۷- در هر مورد از بزه های مندرج در این قانون که مجازات حبس برای آن مقرر شده در صورتی که مرتکب از مامورین مذکور در این قانون باشد از تاریخ صدور کیفرخواست را به اداره یا سازمان ذیربط اعلام دارد. در صورتی که متهم به موجب رای قطعی برائت حاصل کند ایام تعلیق جزء خدمت او محسوب و حقوق و مزایای مدتی را که بعلت تعلیقش نگرفته دریافت خواهد کرد.

ماده ۸- کلیه دستگاههایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است مشمول این قانون خواهند بود همچنین کلیه مقررات مغایر این قانون لغو میشود.